

پژوهشی پیرامون حقوق خبرنگار رسانه‌های جمعی در نگاه اسلام با نظر به قانون مطبوعات

حسینعلی سعدی*

زینب حسامی شهرضایی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۱

چکیده

با توجه به اینکه در عصر ارتباطات و دنیای اطلاعات، پاسخگویی به مسائل جامعه از اهتمام‌های ویژه دین می‌باشد، در پژوهش حاضر نگارندگان به مسأله‌ای نوین در عرصه ارتباطات که در واقع بازوی اصلی گردش و چرخش ارتباطات است، یعنی حقوق خبرنگار در نگاه اسلام، دست یازیده‌اند و در نوشتار حاضر با نگاهی به قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، مبانی برخی از حقوق ویژه خبرنگاران همانند: امنیت جانی، مصونیت کیفری و آزادی اطلاع‌رسانی از نگاه اسلام را مورد بررسی و پژوهش قرار داده‌اند.

اهتمام نگارندگان در نوشتار حاضر اثبات این مطلب است که شرط لازم و غیر کافی برای دمیدن رانحه دینی در نظام اطلاع‌رسانی، تحقق حقوق مذکور برای خبرنگاران است و تا نیل به «رسانه دینی» راهی بس طولانی وجود دارد.

واژگان کلیدی

دین اسلام، حقوق خبرنگار، قانون مطبوعات، رسانه، ارتباطات

* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) saadi@isu.ac.ir

** کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس تهران z.hesami@gmail.com

طرح مسئله

در تاریخ، دو رویکرد کاملاً متغایر به فقه احکام وجود دارد: رویکرد نخست، رویکرد «مسأله مدار و فتواگرا» که شاخصه بارز اجتهاد و فقاہت سنتی است و شعار معروف مسأله پیرس و فقیه پاسخ می‌دهد، معرف این طیف فکری است. بر این اساس گاه شاهد تعارض و حتی تضاد در احکام فقهی در ابواب متعدد هستیم که این تضاد مبتنی بر اختلافات مبنایی در دانش‌های درایه، رجال، اصول و ... می‌باشد.

رویکرد دیگری که وجود دارد: رویکرد «جامع‌انگار و نظام‌مند» است که علاوه بر اعتقاد به جهان شمولی دین و پاسخگویی آن به همه شئون حیات بشر، معتقد است که ارکان و اجزای دین منظم، سازوار و هماهنگ و در پی طرح «اندیشه مدوّن» و «نظام‌مند» است. پژوهش پیرامون فقه و دین‌مداری در رسانه از مسائلی است که در رویکرد دوم بایسته‌اهتمام جدی می‌باشد.

البته، فقه‌خبرنگاری که موضوع نگارش حاضر است از هر دو نظر قابل بررسی و مطالعه است. نگارندگان در نگارش حاضر با رویکرد نخست به مسأله پرداخته‌اند و آنچه در این نوشتار سعی و تلاش در پاسخ دادن به آن داریم، این است که آیا خبرنگار صرف نظر از شخصیت حقیقی‌اش، حقوقی به عنوان حقوق‌خبرنگاری در فقه شیعه داراست یا خیر؟

در نگارش حاضر، تعیین تمامی حقوق یک خبرنگار مورد‌اهتمام نگارندگان نبوده چه آنکه، هدفی است که تحققش نیازمند تفصیلی در حد چند کتاب است و از مجال مختصر یک مقاله خارج است. بنابراین تلاش ما بر تحقیق در مبنای دینی برخی از حقوق‌اهم خبرنگار می‌باشد که در قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران به شمار آورده شده است همانند: آزادی اطلاع‌رسانی، امنیت جانی و مصونیت کیفری.

۱. مبادی و مقدمات پژوهش

۱-۱. نقش خبر در میزان شناخت علم ارتباطات

طبیعی است که صاحب‌نظران ارتباطات در تعریف «خبر» اختلاف نظر داشته باشند. در منابع ادبیات روزنامه‌نگاری ایران، گزاره‌های متنوعی از خبر عرضه شده است اما به

اذعان اساتید بزرگ ارتباطات باید گفت در میان آثار مربوطه، تعریف واحدی از خبر وجود ندارد.

تعاریفی که از خبر شده است، غالباً از تمایز میان خبر و خبر گزارش شده، عاجز است. به نظر می‌رسد که گرایش عمومی به تعریف خبر به مثابه یک محصول نهایی و به عمل آمده استوار است و از همین زاویه است که این کلیشه قدیمی شکل می‌گیرد که خبر گزارش یک رویداد است نه خود رویداد.

شاید بتوان اینگونه بیان داشت که خبر، گزارش و بیان برخی از رویداد های خبری است که دارای عناصر و ارزش‌های خبری بوده و در فرایند تبدیل رویداد به خبر ممکن است، تحت تأثیر عوامل درون رسانه‌ای و برون رسانه‌ای از میزان عینیت آن کاسته شود.

تبیین و تعیین دقیق حد و رسم خبر نه ممکن است و نه با لحاظ هدف این نگارش، بلکه آنچه مورد حاجت است تعریف اجمالی خبر است. که اینگونه می‌توان ارائه نمود: «خبر اعلام و بیان وقایع جالب زندگی اجتماعی و نقل عقاید و افکار عمومی است؛ بنابراین واقعیات جهان هستی و زندگی بشر ابتدائاً خبر نیستند و آنگاه که توسط کسی (خبرنگار) اعلام و بیان شود، خبر خواهد بود و البته پر واضح است که اعلام به هر طریقی باشد فرقی ندارد اعم از کتبی، شفاهی، تصویری و ...» (معتد نژاد و منصفی، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

۱-۲. اهمیت ارتباطات و جایگاه خبر در عصر کنونی

علاقه‌مندی فطری انسان به زندگی مدنی و اجتماعی و برقراری ارتباطات با دیگران، حاکی از جایگاه و اهمیت مسأله است. ارتباطات، قدمتی به طول حیات بشر دارد، اما امروزه پیدایش «وسایل ارتباطی جدید» و توسعه «شبکه‌های ارتباطی» باعث تحوّل اساسی در عرصه ارتباطات شده است. این تحوّل آنقدر عظیم و بزرگ است که اگر از آن تعبیر به انقلاب در ارتباطات شود، گزاف نمی‌باشد. از جمله پیامدهای انقلاب در ارتباطات، سرعت اطلاع‌رسانی و انتشار سریع اخبار است (ر.ک: پویا، ۱۳۸۴، ص ۴).

تصمیم‌گیری‌ها در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... و امداد خبر و اطلاع‌رسانی است و البته پر واضح است که با ارتقای «جایگاه اطلاعات» در زندگی اجتماعی و فردی، مقوله نظارت بر کسب اطلاعات و حقوق کاسبان اطلاعات یعنی خبرنگاران نیز اهمیت مضاعفی می‌یابد که نوشته حاضر در پی سامان دهی به آن از منظر اسلام (فقه امامیه) می‌باشد.

۲. حقوق خبرنگاران در اسلام

در قانون مطبوعات چند حق برای خبرنگار که به نوعی حقوق اساسی و حقوق ممتازند، بیان شده است. در نوشتار حاضر نگارندگان به بررسی آنها در نگاه اسلام پرداخته و مبانی دینی آنها را مورد پژوهش قرار می‌دهند.

۱-۲. امنیت جانی

۱-۲-۲. مقصود از امنیت جانی

مبدأ خبر برای کسب اطلاع و تهیه مضامین خبری عواملی را در اختیار می‌گیرد و با گسیل ایشان به مناطق مختلف به جمع‌آوری اطلاعات به منظور تبدیل آنها به اخبار و گزارش‌ها می‌پردازد. این عوامل که امروزه با نام «خبرنگار» خوانده می‌شوند، به مقتضای حرفه خود گاهی در مناطق خطرناک و پر حادثه حاضر می‌گردند و نسبت به دریافت اخبار تمام وسع و همت خود را بذل می‌نمایند.

از سویی قانون و شریعت در مواردی جان برخی افراد را فاقد احترام اعلام کرده است. غیر از مرتکبین برخی جرایم خاص همانند: زنا به عنف، یا محصنه و غیره. عنوان کلی کفار حربی نیز در این زمره قرار دارد که در نگاه اسلام بدهتاً یعنی فارغ از حکومت عناوین ثانویه‌ای همانند مصلحت و ... جان ایشان برخوردار از احترام حقوقی نیست. علاوه بر کافر حربی، افراد دیگری نیز وجود دارند که به دلایلی غیر از ارتکاب جرم بر علیه حقوق شهروندان، فاقد احترام جانی‌اند و کشتن ایشان مجاز بلکه در مواردی ضروری است؛ همچون مرتد.

پس اصل کلی حرمت جان انسان‌ها در مواردی تخصیص خورده است، اما با مراجعه به ادله شرعی در می‌یابیم که خبرنگاران حتی در صورت وابستگی به گروه‌هایی که کشتن ایشان جواز است و حتی با فرض آنکه از نظر حقوقی مشمول احکام این گروه‌ها باشند، در زمان اشتغال به حرفه خود (کسب خبر و خبرنگاری) از امنیت جانی برخوردارند و تعرض به جان ایشان ممنوع است. بنابراین امنیت ویژه خبرنگاران به معنای مصونیت جان ایشان در صورت صدق عناوینی است که مجوز اعدام اشخاص می‌باشد و بنابراین در طول دوره مأموریت تنها در صورت ارتکاب جرائم علیه شهروندان تعقیب و کیفر ایشان مجاز است.

۲-۲-۲. دلایل لزوم توجه به امنیت جانی خبرنگار در اسلام

امنیت جانی خبرنگار به حکم عقل از جمله مسائل ضروری در دایره بیان اطلاعات و در سیستم ارتباطات می‌باشد. در اینجا به مبانی این ضرورت عقلایی از نگاه اسلام می‌پردازیم.

۲-۲-۲.۱. سیره معصومین

دلایلی وجود دارد که فرستادگان و پیغام بران گروه‌های جایز القتل، در طول مدت مأموریت خود امنیت جانی دارند و کشتن ایشان ممنوع است و لذا با تنقیح مناط و به قیاس اولویت (یعنی زمانی که امنیت جانی مخبران و پیکر افراد واجب القتل، ضروری است به طریق اولی خبرنگار رسانه‌های جمعی که نقشی در آسیب رسانی به ممالک ندارند، امنیت‌شان ضروری است)، باید گفت که این ضرورت در مورد خبرنگار رسانه‌های جمعی وجود دارد.

مهم‌ترین دلیل این حکم، گفتار و سیره پیامبر اکرم (ص) و نیز امیرمؤمنان (ع) است. نمونه‌هایی که می‌توان بیان نمود به قرار زیر می‌باشند:

الف) مسیلمه از افراد شیادی بود که به دروغ مدعی رسالت و پیامبری از جانب خدا شد و نامه‌ای به محضر رسول اکرم (ص) فرستاد و در آن خواستار پذیرش رسمیت خود از جانب رسول اکرم (ص) شده بود. پیامبر به دو نفری که نامه را آورده

بودند فرمود: نظر شما چیست؟ آنان گفتند: ما همان را می‌گوییم که او گفته است. پیامبر (ص) فرمود: اگر چنین نبود که فرستادگان را نمی‌توان کشت (ضرورت امنیت جانی)، گردن شما را می‌زدم (سجستانی، ۱۴۰۲، ص ۷۶).

ذکر این نکته ضروری است که فرستاده به معنای اعم در این روایت بکار رفته است و این نشان از آن است که دیگر فرستادگان همانند خبرنگاران رسانه‌های دول مختلف نیز در این حکم مشترکند و البته باید دانست که برخی از فرستاده‌ها همانند جاسوسان که در اسلام حکم به قتل آنها شده است بواسطه دلیل خاص می‌باشد.

ب) امام صادق (ع) از پدرانش نقل می‌فرماید که: رسول اکرم (ص) فرمودند: «لا یقتل الرسل و لا الرهن»؛ فرستاده و گروگان کشته نمی‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۷).

در این روایت فرستاده به طور عام بکار رفته است و می‌توان به عموم این روایت تمسک نمود و آن را شامل همه فرستاده‌ها اعم از خبرنگار و ... دانست و در موارد خاص نیز بر اساس ادله آنها حکم نمود، مثلاً در مورد جاسوس بر اساس ادله آن به داوری در مورد فرد بپردازیم.

ج) امیرالمؤمنین (ع) گاه با وجود بی‌ادبی و جسارت فرستادگان معاویه امنیت ایشان را مراعات کرده و گاه صریحاً بر ضرورت تأمین جانی آنان تأکید فرموده است. از جمله مورخان نقل کرده‌اند که معاویه مردی را با نامه‌ای سفید (بدون نوشته) و بدون مهر و نشان که فقط در صدر آن نوشته بود: «من معاویة بن ابی سفیان الی علی بن ابی طالب» نزد امیر مؤمنان فرستاد. حضرت علی (ع) پس از مشاهده نامه خطاب به مأمور معاویه فرمود: وای بر تو! در شام چه خبر است؟ مرد مأمور گفت: می‌ترسم که اگر حقیقت را بگویم به دست تو کشته شوم. حضرت فرمود: چگونه و چرا تو را بکشم در حالی که تو فرستاده‌ای؟ (حرعاملی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۷).

باید متذکر شویم که علتی که در کلام حضرت ذکر شده موجب تعمیم حکم می‌گردد و به مقتضای قاعده «العلّة تعمّم» می‌توان گفت: امنیت جانی همه فرستادگان اعم از پیک، خبرنگار و ... در نگاه ایشان ضروری است.

د) پس از بازگشت پیامبر (ص) از پیمان صلح با مشرکین ابو بصیر، عتبه بن اسید به آن حضرت پناهنده شد و ایشان فرمودند: «ای ابابصیر چنانچه می‌دانی ما با این قوم پیمان بسته‌ایم و غدر در دین ما جایز نیست. خدا برای تو و دیگر مستضعفان همراه تو فرج و راه نجاتی قرار خواهد داد پس نزد قومت برگرد» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۳۷).

باید توجه شود که چنانچه گذشت استفاده از این نصوص در تعیین حکم خبرنگاران، منوط به الغای خصوصیت است گرچه در برخی موارد استفاده از عموم آنها نیز مفید است. مدعای ما نیز همین است که فرستادگان در میدان جنگ یا پیام آوران میان رهبران سیاسی خصوصیت ممتازی در تحقیق مصونیت ندارند، بلکه اصل وصف تبادل اطلاعات و پیام‌آوری و پیام‌بری است. آنچه باعث مصونیت یک فرستاده است همان ماهیت خبررسانی او چه در میدان جنگ و چه در غیر آن می‌باشد و با مراجعه به روایات مصونیت سفرا و نیز عباراتی که در تحلیل روایات مذکور وجود دارد، می‌توان دریافت که گسیل سفیر و مأمور از سوی دولت بیگانه به کشور اسلامی، خود نوعی پیمان و عهد و یا حداقل مسبوق به آن می‌باشد و حکومت اسلامی به عمل به پیمان‌ها و قراردادهای خود با دول کافر ملزم است.

بنابراین حتی اگر هیچ قراردادی در باب تضمین امنیت فرستادگان وجود نداشته باشد، صرف فرستادن ایشان خود نوعی قرارداد واجب‌الوفاء است. آنچه این تحلیل را تأیید می‌کند روایت مربوط به مأموریت ابورافع در نزد پیامبر (ص) است. ابورافع نقل می‌کند که قریش مرا نزد پیامبر اکرم (ص) فرستاد و چون پیامبر را دیدم به اسلام علاقمند گشتم و خواستار اقامت در مدینه شدم، اما پیامبر فرمود: من عهد نمی‌شکنم. لکن به سوی ایشان بازگرد سپس اگر آنچه اکنون در قلبت وجود دارد ادامه یافت، بازگرد (ابن حبان، ۱۴۱۴، ص ۲۳۳).

برخلاف آنچه برخی (ابن حزم، ۱۳۵۲، ص ۲۰۵) در توجیه فرموده رسول اکرم (ص) گفته‌اند، مقصود حضرت، پیمان حدیبیه و ماده مذکور در آن مبنی بر بازگرداندن پناهندگان به مدینه نبوده است، وگرنه در ذیل حدیث، بازگشت دوباره ابورافع را توصیه نمی‌فرمودند، بلکه مقصود حضرت مأموریت ابورافع از جانب قریش

بوده است که پذیرش ورود وی به مدینه نوعی عهد و پیمان از سوی رسول خدا (ص) با مشرکان محسوب می‌شد.

یکی از دانشمندان در تأیید این تحلیل می‌نویسد: «این حدیث بر آن دلالت دارد که وفا به عهد نسبت به کفار نیز همانند مسلمین واجب است و در تشریح اینکه چگونه نامه آوردن نوعی قرارداد را ایجاد می‌کند، باید گفت فرستادن نامه مقتضی جوابی است که به دست فرستاده نزد فرستنده برسد. بنابراین فرستادن وی و قبول او به منزله بستن عهد و قرار است (شوکانی، ۱۴۱۳، ص ۱۸۳).

ماهیت فرستادگی، صرفاً آوردن خبر و اطلاعات از جانب دولت کافر نزد حکومت اسلامی نیست، بلکه یک مأموریت دو جانبه می‌باشد که محتوای آن وساطت در تبادل اطلاعات بین حکومت اسلامی و دولت متبوع شخص فرستاده است. در این وساطت وی حامل اخباری از جانب دولت متبوع و اطلاعات متقابلی از سوی کشور اسلامی است. بنابراین بخشی از مأموریت وی (انتقال اخبار از کشور اسلامی به دولت بیگانه) دقیقاً با ماهیت «فرستاده یا پیک» منطبق است و ادله مصونیت فرستادگان، شامل خبرنگاران نیز می‌شود.

در نتیجه باید گفت از منظر اصول دینی و بلکه اصول انسانی، دولت اسلامی یا نباید اجازه فعالیت به خبرنگاران بدهد، یا اینکه اگر اجازه داد شایسته نیست که غدر کرده و امنیت جانی او را به خطر اندازد. در عین حال که مبعوضیت غدر از زبان پیامبر (ص) به طور عام روایت شده که تمام موارد و مصادیق را شامل است.

این سخن حتی می‌تواند به عنوان دلیلی مستقل برای اثبات هدف ما باشد. علاوه بر این نکات، گواه دیگری وجود دارد - که قبلاً به آن اشاره شد - و آن، مناطی است که در مصونیت فرستادگان به نظر می‌رسد. ظاهراً آن چه ملاک این حکم است «مأموریت از جانب گروه غیر مسلمان در محدوده دولت اسلامی و قبول ورود و انجام مأموریت او از جانب حکومت اسلامی است» و با این ملاک، خبرنگاران نیز مصونیت می‌یابند.

۲-۲-۲. حکم عقل و سیره عقلا در برخورد با خبرنگاران

بنای عقلا عبارت است از روش عموم مردم در گفتگو و معاملات و روابط اجتماعی آنان. به گرایش عمومی و عرف عام «بنای عقلا» گفته می‌شود. مثل رجوع به خبره، عمل به ظاهر کلام و غیره. بنای عقلا در صورتی معتبر است که کاشف از قول معصوم باشد و این کاشفیت به طرق مختلف همانند عدم ردع شارع و ... قابل احراز است. عقلائی عالم نیز از آنجا که در نهاد ایشان علاقه به دانستن اخبار دیگر مناطق و اطرافشان وجود دارد به طور ناخودآگاه خود به احترام و ارزش نهادن بر خبرنگاران روی آورده و ایشان را تکریم می‌نمایند و اهتمام خود را در مسیر ایجاد امنیت جانی خبرنگاران بکار می‌گیرند و این بنا از آنجا که ردعی از آن توسط شارع نشده است، لذا کاشف از رضای ایشان است.

عقل نیز حکم می‌نماید برای ایجاد نظام ارتباطی و اطلاعاتی مناسب باید به امنیت جانی خبرنگاران اهتمام ورزید. از سوی دیگر ظلم به حکم استقلالی عقل قبیح است و حکم به عدم امنیت افرادی که رسالت خبررسانی را دارند از عناوین ظالمانه است و به حکم عقل جائز نمی‌باشد، بلکه عقل حکم به رعایت امنیت خبرنگاران نیز دارد چه آنکه مقتضای قاعده عدالت و انصاف در برخورد با دیگران به خصوص کسانی که رسالت اطلاع رسانی و آگاه سازی انسان را بر عهده دارند می‌باشد و این مناط در برخورد با خبرنگاران نسبت به دیگر افراد اقوی است.

۲-۲-۳. پای بندی حکومت اسلامی به پیمان‌های بین المللی

در بحث قبل، فرستادن و پذیرش خبرنگاران در خاک کشور اسلامی را ماهیتاً نوعی قرارداد و پیمان دو جانبه لازم الوفا دانستیم، اما در بحث حاضر برآنیم که بدون در نظر گرفتن این ماهیت، مصونیت خبرنگاران را به استناد پیمان‌های خاصی که در زمینه گسیل این افراد منعقد شده است، ثابت کنیم.

مسئله تأمین جانی اتباع و مأموران کشورهای بیگانه در زمره تعهداتی است که به موجب قراردادهای بین‌المللی، کشورها به مراعات آن ملزم گردیده‌اند. اصولاً مهم‌ترین منبعی که می‌تواند اساس مقررات و روابط بین‌المللی محسوب شود عهد و پیمان است

و صلح جهانی و روابط عادلانه جوامع با یکدیگر تنها از طریق اصولی که همه جوامع به آن ملتزم باشند قابل تحقق است (صفدری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳۹).

بنابراین حکومت اسلامی نیز با امضای این معاهدات ملتزم به مضامین آن و از جمله حفظ امنیت جانی خبرنگاران می‌شود و دین اسلام پای‌بندی دولت اسلامی به تعهداتی را که با کفار منعقد می‌سازد واجب و تخلف از آن را ممنوع می‌شمارد. لذا دولت اسلامی موظف به حفظ امنیت ایشان و خودداری از تعرض به جان آنان است. دلالتی که ضرورت پای‌بندی دولت به مقررات بین‌المللی را اثبات می‌کند، عبارتند از:

۲-۲-۳-۱. ادله قرآنی

قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به عهد و پیمان پای بند باشید (مائده: ۱). با توجه به اینکه کلمه عقد در لغت به معنای عهد است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۲۹۶) شامل معاهدات و قراردادهای بین‌المللی نیز می‌گردد.

همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَ اَوْفُوا بِالْعَهْدِ اِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»؛ به پیمان خویش وفا کنید؛ زیرا از عهد سؤال خواهد شد (اسراء: ۳۴). این گونه از آیات به صورت مطلق، ضرورت پای‌بندی به پیمان را مدلل می‌سازد و اطلاق و عمومیت آن شامل معاهداتی که طرف آن غیر مسلمان‌اند، نیز هست.

«كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ اِلَّا الَّذِینَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»؛ چگونه خدا و رسول با مشرکانی که پیمان خود را شکستند وفادار باشند؛ مگر آنانی که در مسجدالحرام با ایشان عهد بسته‌اید، مادام که آنان به پیمان خود وفا دارند، شما نیز وفا کنید که خدا پرهیزگاران را دوست دارد (توبه: ۷).

نکته در خور توجه در این آیه آن است که خداوند وفا به پیمان با مشرکان را لازمه تقوا شمرده است.

۲-۲-۲-۲. ادله روایی و نقلی

عملکرد پیامبر اکرم (ص) که پس از بستن پیمان با مشرکان به نمایندگی سهیل بن عمرو به لوازم آن تا آخر ملتزم بود، نمونه‌ای در همین زمینه است. از جمله بندهای این پیمان نوعی تعهد مبنی بر استرداد مجروحان بود که بر اساس آن، استرداد هریک از قریش که بدون اذن ولی خود نزد پیامبر (ص) می‌آمد، ضروری می‌گردید. در حال نوشتن متن این پیمان، مردی به نام ابوجندل که پیش‌تر اسلام آورده بود، نزد حضرت آمد و سهیل پس از ضرب و شتم وی خطاب به پیامبر عرضه داشت: قرار بین من و تو پیش از آمدن این مرد منعقد شده بود و حضرت فرمود: راست گفتی و سهیل ابوجندل را کشان کشان به نزد قریش می‌برد در حالی که ابوجندل فریاد می‌زد: ای مسلمان، آیا مرا به نزد قریش باز می‌گرداند (و شما ساکتید)؟

پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای اباجندل صبر کن که خداوند برای تو و دیگر کسانی که با تو مورد ستم قریش قرار گرفته‌اند، گشایشی خواهد داد. همانا ما و این قوم پیمان بسته‌ایم و ما به پیمان خود خیانت نمی‌کنیم» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۳۴).

نمونه دیگر پس از بازگشت پیامبر (ص) رخ داد. ابو بصیر، عتبه بن اسید به آن حضرت پناهنده شد و ایشان بار دیگر تکرار فرمودند: ای ابابصیر چنانچه می‌دانی ما با این قوم پیمان بسته‌ایم و غدر در دین ما جایز نیست. خدا برای تو و دیگر مستضعفان همراه تو فرج و راه نجاتی قرار خواهد داد پس نزد قومت برگردد (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۳۷؛ احسانی، ۱۴۰۵، ص ۴۲).

فرمان صریح امیرمؤمنان (ع) به عنوان زمامدار مسلمین مبنی بر ضرورت پای‌بندی به تعهدات و پیمان‌هایی که با دُول متخاصم منعقد می‌گردد، نیز نمونه دیگر است. متن این فرمان که خطاب به مالک اشتر والی مصر صادر شده بدین شرح است: «اگر با دشمن پیمان بستی یا چیزی را متعهد شدی به پیمان خود وفا کن و آنچه را تعهد کرده‌ای انجام ده و خودت را سپر پیمان و زنجاری که دادی، قرار ده (مبادا که در تعهدات خود کوتاهی کنی)؛ چراکه هیچ واجبی از واجبات الهی مثل وجوب وفا به عهد نیست که مردم با وجود اختلاف نظر و سلايق گوناگونی که دارند در آن اشتراک نظر دارند و حتی مشرکان نیز درباره قراردادهایی که با مسلمانان می‌بستند پای‌بندی

نشان می دادند و این به خاطر آن بود که نتیجه ناگوار پیمان شکنی را آزموده و به پیامد بد آن دچار شده بودند.

پس تو نیز مبدا به امانت خیانت کنی و پیمان را بشکنی و دشمن را فریب دهی؛ زیرا تنها جاهلان تیره روز مرتکب جرأت و جسارت نسبت به حدود الهی می شوند. همانا خداوند پیمان و قراردادش را وسیله امن و آسایش قرار داده و آن را به فضل خود در میان بندگان خویش گسترده است و پناهگاهی قرار داده که به استواری آن اعتماد کنند و از همه طرف به آن روی آوردند» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱۲).

۲-۲-۴. تحقق پیمان استیمان در مورد خبرنگاران

«امان»، پیمانی است که ولی امر مسلمین یا یکی از مسلمانان با کفار حربی و دیگر متجاوزان منعقد می سازد که بر اساس آن به فرد یا گروهی از ایشان امان داده می شود و تأمین امنیت جانی او در هنگام سفر به کشور اسلامی تعهد می گردد؛ لکن اگر بنا باشد که این پیمان در سطح گسترده و عمومی (گروهی) صورت گیرد حتما باید از سوی ولی امر مسلمین منعقد شود.

یکی از فقهای بزرگ در تحلیل و توضیح این پیمان و مبنای مشروعیت آن می نویسد: «عقد و پیمان معروف به امان، جایز است که با مشرکان منعقد شود و مبنای مشروعیت آن، سخن خدای متعال است که فرمود: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛ اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود و سپس او را به محل خود بازگردان (توبه: ۶).

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی برای همه مشرکان چنین قراری صادر فرمود. باید ملاحظه کرد که اگر طرف پیمان شخص امام است، می تواند آن را برای همه مشرکین در همه مناطق و اماکن صادر نماید؛ زیرا تولی و تصدی مصالح مسلمین به دست اوست و نظر او ملاک است، اما اگر جانشین امام منعقد کننده پیمان باشد، می تواند نسبت به اهل کشورهای مجاور مبادرت به انعقاد پیمان امان کند نه همه مناطق و کشورها و در صورتی که شهروندان مسلمان اقدام به چنین پیمانی را در نظر داشته

باشند، برای آحاد و حداکثر گروه‌های محدود ده نفره مجاز است (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۴).

مدّعی ما این است که پذیرش ورود خبرنگاران خارجی یا وابسته به دول و گروه‌های متخاصم در صورتی که با هماهنگی دولت اسلامی صورت گرفته باشد، متضمن اعطای امان به ایشان است؛ زیرا هر لفظ یا کنایه‌ای که بیانگر این مفهوم باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ص ۲۳۹) و نیز هر عمل دولت اسلامی که چنین مضمونی را برساند در تحقق این پیمان کفایت می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۱).

بنابراین هماهنگی از طریق نمایندگی‌های کشور اسلامی، صدور روایید و اجازه اجرای وظایف حرفه‌ای در داخل کشور اسلامی و سایر اقدامات مربوط که توسط دولت مزبور انجام می‌گیرد اعطای امان شمرده می‌شود.

۲-۲. مصونیت قضایی خبرنگاران در حکومت اسلامی

مصونیت قضایی به معنای ایمن بودن شخص از دستگیری، بازداشت و سایر محکومیت‌های کیفی بر اثر انجام دادن اعمالی است که به لحاظ وظایف حرفه‌ای و در راستای کار اطلاع رسانی و پیش از آن در مرحله کسب خبر مرتکب می‌شود. پیش‌تر اشاره به این نکته ضرورت دارد که مصونیت آدمی از تعرض حکومت به جریان عادی و آزادانه حیات فردی، حقی عمومی است که همه شهروندان عادی از آن برخوردارند و به موجب آن هیچ کس را نمی‌توان جز در موارد استثنایی که قانون مقرر می‌دارد، بازداشت کرد.

این مطلب در ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که: «احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد» و اساساً تضمین آزادی‌های مردم از مهم‌ترین مشخصات حکومت‌های مردمی در برابر رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی است. اگر قرار باشد در جامعه‌ای آزادی مردم ملعبه هوا و هوس فرد یا مقام خاصی قرار گیرد و مردم به صرف دستور این و آن دستگیر و بازداشت شوند یا از فعالیت باز بمانند، آن جامعه آزادی خود را از دست خواهد داد (امامی، بی‌تا، ص ۹۷).

در اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این حقیقت اشاره شده است که: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند». بر اساس آنچه گفته شد، مصونیت قضایی باید معنای ویژه‌ای داشته باشد که دارندگان مشاغلی خاص را شامل شود.

۲-۱-۲. مفهوم شناسی مصونیت قضایی

مصونیت قضایی به دو صورت منفی و مثبت تفسیر پذیر است و وجود همین دو نحوه تفسیر، مخالفان و موافقان را در تطبیق این اصل بر مصادیق، در برابر یکدیگر قرار داده است؛ در عین اینکه همگان به اصل ضرورت وجود چنین اصلی در جامعه معتقدند. مخالفان غالباً معنی منفی آن را به رقبا نسبت می‌دهند و موافقین ادعا می‌کنند که مصادیق مورد نظر ایشان، مشمول معنای مثبت این اصل است.

مصونیت قضایی در معنای منفی به مفهوم نشان دادن افراد و گروه‌هایی در جایگاه برتر از قوانین و هنجارهای مورد توافق جمعی و مصون داشتن ایشان از عواقب قانونی تجاوز به حقوق دیگران و تخلف از مقررات و قوانین می‌باشد. روشن است که این تفسیر دقیقاً مصونیت قضایی را در برابر اصل تساوی همگان در برابر قانون قرار می‌دهد و بر اساس آموزه‌های دینی و آنچه از پیشوایان معصوم آموخته‌ایم رد می‌گردد. ماده ۳ و ۴ قانون مطبوعات از این قرار است:

ماده ۳: مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند. (تبصره: انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد).

ماده ۴: هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای درصدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

اما مصونیت معنای مثبتی نیز دارد که عقل و نیز شرع آن را تأیید می‌کند و آن ایجاد بستر امن برای فعالیت در حوزه‌هایی است که متضمن مصلحت عمومی و تأمین منافع جامعه می‌باشد، اما به طور معمول نوع و حوزه فعالیت با مصالح و منافع گروه‌ها

و قشرهایی اصطکاک می‌یابد که ابزار قدرت را در دست و امکان تأثیرگذاری دارند. این گونه بسترسازی برای فعالیت‌های خاص مثل نمایندگی مجلس شورا یا متصدیان اطلاع رسانی و نشر اخبار و اطلاعات مورد نیاز جامعه نه تنها مذموم نیست که حکم عقل و شرع پشتوانه آن است.

مقصود از مصونیت قضایی در حوزه اطلاع رسانی این است که اگر نشر و عرضه اخبار و اطلاعاتی موجب وارد آمدن ضرر و زیان بر دیگران شود، در صورتی که این اخبار، اسرار ایشان محسوب نگردد - تا از باب افشای اسرار ممنوع باشد - بلکه صرفاً اطلاعات و اخباری در حوزه‌های مرتبط با سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... در سطح جامعه باشد، منبع و مولد خبر هیچ مسئولیت مدنی و کیفری در قبال آسیبی که به گروه‌ها و قشرهای خاص وارد می‌شود، ندارد.

برای نمونه در مورد نشریاتی که اغلب، حاصل کار خبرنگاران را منتشر می‌کنند در ماده ۶ قانون مطبوعات آمده است: «نشریات جز در مورد اختلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند:

(۱) نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

(۲) اشاعه فحشا و منکرات و انتشارعکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

(۳) تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

(۴) ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

(۵) تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.

(۶) فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحضامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.

(۷) اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸) افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹) سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) بنحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آیین نامه مشخص می‌کند)

۱۰) استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی، طرح مطالب موجب تضاد میان زن و مرد از طریق دفاع غیر شرعی از حقوق آنان.

۱۱) پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.

۱۲) انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی.

تمامی مواد مذکور را می‌توان در جای خود با ادله شرعی به اثبات رساند. به علاوه با الغای خصوصیت می‌توان تکالیف مزبور را بر عهده خبرنگاران نیز دانست. روشن است که انتشار پاره‌ای اخبار در حوزه اقتصادی ضرر و زیان شرکت‌ها، کمپانی‌ها و مؤسساتی را به دنبال دارد، همانطور که نشر برخی اخبار سیاسی ممکن است در صحنه منازعات سیاسی گروه‌هایی را از دستیابی به قدرت یا ورود به مجلس و دولت محروم سازد؛ نیز انتشار خبری در باب یک موضوع علمی یا فرهنگی ممکن است طراحان و متصدیانی را که دست اندرکاران پروژه‌ای در همان موضوع‌اند متضرر سازد، اما عواقب مدنی و کیفری این زیان دامنگیر مبدأ خبر نیست.

بر این اساس حقی برای مبدأ خبر ثابت می‌گردد که در مرحله کسب اطلاع و نیز در مراحل بعدی، که شامل عرضه و نشر اخبار شود، از عقوبت دیدن به سبب انجام دادن کار و حرفه خود مصون باشند. مصونیت قضایی به معنایی که تفسیر شد در حقیقت عبارت دیگری خواهد بود برای عنوان «امنیت شغلی» در مورد کسانی که حرفه آنان با حوزه‌های عمومی و مسائل ملی گره خورده است.

۲-۲-۲. ضوابط مصونیت قضایی و دیگر عوامل اطلاع رسانی

۱-۲-۲-۲. اقدام در راستای اجرای وظیفه حرفه‌ای

در جامعه بشری نهادهای مختلف اجتماعی وجود دارد که وظایف هر یک از این نهادها و ارتباطات متقابل و نیز نحوه تعامل آنها با یکدیگر کاملاً تعریف شده است. در این جامعه وظیفه اطلاع رسانی و انتشار اخبار و اطلاعات به نهاد خبرگزاری و اطلاع رسانی محوّل گردیده است و این نهاد که ممکن است در قالب مؤسسات مختلف به انجام وظیفه پردازد عهده‌دار مسؤولیت تولید آگاهی در اجتماع است. طبیعتاً ادای این وظیفه همچون سایر وظایف، اقتضائات و لوازم خاص خود را دارد. به عنوان نمونه در حوزه سیاسی- اجتماعی، بخشی از این وظیفه در قالب بیان مشکلات مختلف مردم و شهروندان و متقابلاً گزارش ضعف عملکرد مسؤولان و نارسایی‌های دستگاه‌های حکومتی خواهد بود.

روشن است که اطلاع رسانی در نظام مورد نظر شارع یک عملیات هدفمند می‌باشد و دستیابی به این هدف در بسیاری موارد متوقف بر توسعه حریم اطلاع رسانی به بخش‌های مختلف است. لذا اطلاع رسانی در مسائل سیاسی و اجتماعی را مادام که فعالیت در راستای اجرای این وظیفه حرفه‌ای است، هر چند موجب برهم خوردن آرامش جامعه باشد، نمی‌توان با عناوینی مثل اخلال در نظم عمومی و ... مورد تعقیب و مؤاخذه قرار داد. در عین حال این ضابطه یک جنبه سیاسی نیز دارد که بر پایه آن اگر عملیات نهاد خبرگزاری و مؤسسات تابعه آن معطوف به اقداماتی گردد که خارج از وظایف حرفه‌ای محوّل باشد، مصونیتی برای مرتکب تصور نمی‌شود.

۲-۲-۲-۲. ممنوعیت تجاوز به حقوق دیگران و حفظ حقوق عمومی

اجرای وظیفه حرفه‌ای اطلاع رسانی محکوم به ادله‌ای است که تکالیفی را بر شخص یا نهاد متصدی این امر متوجه ساخته است. تحقیق در این تکالیف نیازمند نوشتاری مستقل می‌باشد اما اجمالاً باید گفت نشر اخبار متضمن توهین به افراد، یا انتشار اسرار محرمانه و شخصی، در زمره مواردی شمرده می‌شوند که ارتکاب آنها حتی اگر در راستای ادای وظیفه حرفه‌ای صورت گرفته باشد، قابل تعقیب کیفری است مگر در

مواردی که ادله و عناوین ثانویه حاکم بر ادله اولیه بوده و بواسطه آنها اباحه و جواز این موارد برداشت گردد.

مثلاً مواردی که خیر کثیری در بیان این موارد برای نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی باشد یا اینکه حرمت اختلال در نظام و انتظام اجتماع و حفظ آن این مسأله را ایجاب نماید. توجه به رابطه‌ی بین ادله‌ی تکالیف مخبر و دلیل مصونیت قضایی او می‌تواند خواننده را به درستی ادعایی که گفته شد، راهنمایی کند و البته نتیجه‌ی این قید جز آن نیست که غیر از مواردی مشخص که باید در جای خود تبیین گردد، در هیچ مورد دیگر نمی‌توان اطلاع رسانی را به دستاویز اضرار به دیگران مورد تعقیب قرار داد.

۲-۳-۲. ادله مصونیت قضایی

۲-۳-۲-۱. مصونیت نسبت به عواقب و مسؤولیت مدنی

در این بخش اثبات مصونیت قضایی، بسته به این است که دو نکته پذیرفته شود: نخست این که اطلاع رسانی حق مبدأ و مولد خبر است و دوم اینکه وی می‌تواند این حق را حتی در صورتی که مستلزم ضرر دیگران باشد، اعمال نماید، اما نکته نخست، جای چند و چون و اشکال ندارد؛ زیرا اگر خبر را ملک منبع و مولد بدانیم، همه آثار و لوازم حق، که بنابر نظر برگزیده خود مرتبه ضعیفی از ملکیت است، مترتب خواهد شد. وانگهی از آن جا که نفس اطلاع رسانی و عرضه اخبار، بدون آن که نقش تولیدی مولد خبر را مورد ملاحظه قراردهیم، نوعی کار است که متضمن تصرف در اعضا و جوارح و مایملک خویش است و مشمول محدودیت‌های موضوعی نیست که در شرع برای انجام دادن کارهای خدماتی مقرر شده است؛ لذا حق ناشر خبر محسوب می‌گردد. بنابراین مهم‌ترین قسمت بحث ثابت کردن نکته دوم است. با مراجعه به متون فقهی در می‌یابیم که فقها استفاده از حق و اعمال آن و تصرف در ملک خویش را در مواردی که مستلزم ضرر دیگران می‌باشد، هر چند ضرر دیگران فاحش است، تجویز کرده و حتی مدعی وجود اجماع بر این امر شده‌اند. نقل برخی از عبارات فقها می‌تواند در جهت برداشت یک ملاک کلی که در مورد محل بحث نیز مفید و گره‌گشاست سودمند باشد.

شیخ طوسی می‌نویسد: «اگر کسی در خانه خود چاهی بکند و همسایه‌اش بخواهد در حیاط خود و نزدیک به چاه وی، فاضلاب یا آبریزگاهی حفر کند، حق جلوگیری از همسایه ندارد. هر چند ایجاد فاضلاب به تغییر آب چاه منجر شود یا صاحب چاه آب آن را به دلیل احتمالی آلودگی، غیر بهداشتی و آلوده بشمارد. دلیل این امر آن است که هر کس می‌تواند در ملک خود تصرف کند» (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۳).

ابن ادریس نیز می‌گوید: «اگر شخصی در ملک خود چاهی حفر کند و همسایه او در منزل خویش و نزدیک همان چاه، چاهی حفر نماید که به کاهش آب چاه اول منجر شود، حق ممانعت از کار همسایه را ندارد؛ زیرا مردم بر اموال خویش تسلط دارند. هر کس می‌تواند در ملک به صورت معمول آن گونه که می‌خواهد تصرف کند و هر چند به نابودی ملک دیگر بینجامد، ضمانت و مسؤلیتی متوجه او نیست، مگر آنکه به ملک غیر تجاوز کرده باشد» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ص ۳۸۲).

علامه حلی همچنین می‌فرماید: «در مورد شخصی که خانه خود را در محلی مسکونی و در میان خانه‌های مردم قرار داد، تبدیل به اصطبل یا کاروانسرا یا آسیاب کند (و بدین وسیله آسایش اهالی محل آسیب ببیند) یا در بازار عطر فروشان، مغازه آهنگری و لباسشویی که معمول نیست، تأسیس می‌کند، دو نظر وجود دارد. شافعی در یک نظریه خود با احمد بن حنبل از دیگر فقیهان اهل سنت هم داستان است و حکم به ممنوعیت نموده، اما در نظر دیگری معتقد به جواز شده است. رأی من نیز همین (جواز) است» (علامه حلی، ۱۴۱۴، ص ۴۱۴).

شهید اول نیز می‌گوید: «هر کس مجاز است که در ملک خود به صورت عادی و معمول تصرف کند، هر چند دیگران زیان ببینند» (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۶۰). محقق کرکی نیز معتقد است: «چون مردم بر اموال خویش مسلط‌اند، هر کس می‌تواند در ملک خود آن گونه که می‌خواهد تصرف کند و اگر نیاز، او را وادار ساخت که در ملکش آتش بیافروزد یا آب رها کند، این عمل جایز است هر چند گمان و ظن غالب داشته باشد که آتش و آب به ملک غیر سرایت کرده و ضرر وارد می‌سازد» (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۸).

نیز به باور شیخ انصاری، تصرف مالک در ملک خویش یا برای دفع ضرر از خود صورت می‌گیرد یا برای دستیابی به نفع و سود و یا لغو و بی‌هدف. در صورت نخست هیچ تردیدی در جواز تصرف نیست و هیچ مخالفی نیز دیده نشده است؛ زیرا الزام او به تحمل ضرر و عدم تصرف در ملکش برای جلوگیری از وارد آمدن ضرر و زیان به دیگران، حکمی ضرری و مورد نفی شارع است و دلیل «الناس مسلطون علی اموالهم» نیز جواز را تأیید می‌کند و این که برخی گفته‌اند باید ضرر وی و ضرر دیگران را ملاحظه و هر یک را که کمتر است تحمل نمود، ادعایی ضعیف، بی‌دلیل و برخلاف گفتار فقیهان ماست. در صورت دوم نیز نظر مشهور بر جواز می‌باشد و دلیل آن نیز این است که جلوگیری از تصرف مالک در ملکش و منوط کردن تصرف او به عدم تضرر دیگران، حکمی مشقت‌آمیز و حرجی است.

فقط در صورت سوم اگر ضرر دیگران مطرح باشد، تصرف جایز نیست؛ زیرا در جلوگیری از تصرف مالک، ضرری به او وارد نمی‌شود و ظاهراً نظر فقهای ما هم همین است (انصاری، المکاسب، ص ۵۴).

بنابراین در مجموع دلایلی که می‌توان از گفتار فقهای شیعی برای اثبات این قبیل تصرفات ارائه کرد عبارتند از: قاعده لاضرر، قاعده تسلیط، قاعده لاجرح. از آنچه گفته شد در می‌یابیم که اقدامات متصدیان نشر و عرضه اخبار و اطلاعات در سطح جامعه اگر برای اجرای وظیفه حرفه‌ای آنان باشد و به حق دیگران تجاوز نکرده باشند، چنانچه مستلزم وارد آمدن زیان به افراد یا گروه‌ها شود، هیچ گونه مسئولیت مدنی متوجه مرتکبین نخواهد ساخت.

۲-۳-۲. مصونیت نسبت به عواقب و مسئولیت کیفری

دلیل مصونیت مبدأ خبر در این بخش بسیار روشن است؛ زیرا بر نفس اطلاع رسانی هیچ یک از عناوین کیفری منطبق نمی‌شود و با فرض اینکه ضرر زدن به دیگران به وسیله اطلاع رسانی در فرض مورد بحث امری مجاز شناخته می‌شود، از باب قاعده کلی «تعزیر مرتکبین گناهان» نیز نمی‌توان متصدیان را تعقیب و مجازات کرد.

منشأ این حق برای خبرنگار در واقع حقی است که مخاطبان خبر نیز به مقتضای برخی از عموماً آیات، همانند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸) دارند بدین صورت که لازمه اتباع احسن، شنیدن کلیه سخنان است اعم از احسن و غیر احسن و عموم قول مؤید این مطلب می‌باشد و این مسأله جز با آزادی اطلاع رسانی امکان ندارد.

بنابراین حق آزادی خبررسانی اهمیت بسیار والاتری نسبت به دیگر حقوق خبرنگار در نگاه اسلام دارد. به دیگر سخن از نگاه اسلام اصل بر امکان بیان همه مطالب می‌باشد و انسان‌ها به مقتضای آیات شریفه قرآن کریم حق شنیدن همه مطالب را دارند تا در انتخاب آنها به تبعیت از احسن آنها همت گمارند. البته، در این میان گروهی از گزاره‌ها وجود دارد که در نگاه اسلام حرامند که این گزاره‌ها تحت عنوان کلی ضلال قابل تحلیل است یعنی هر آنچه ضلال باشد در نظام خبررسانی اسلام محکوم به ممنوعیت است.

نتیجه گیری

به عنوان نتیجه‌گیری نهایی باید گفت با توجه به ضرورت تبادل اطلاعات در دنیای امروز و نیز با نظر به رابطه تنگاتنگ حرفه خبرنگاری با این مسئله، تبیین و تحقیق حقوق خبرنگاران داخلی و خارجی امری اجتناب ناپذیر می‌نماید. با توجه به داده‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت مصونیت قضایی، مصونیت حقوقی به طور عام و امنیت جانی خصوصاً درباره خبرنگاران خارجی، حقوقی است که ثبوتاً و واقعاً حداقل‌هایی برای این قشر محسوب می‌گردد و اثباتاً باعث تسهیل و تسریع در تبادل اطلاعات در صحنه‌های داخلی و بین‌المللی می‌باشد.

همچنین قواعد و اصول دیگری نیز وجود دارد که بواسطه تحقق حکومت اسلامی شامل عناوین ثانویه احکام شده‌اند، همانند: قاعده لاضرر و حرمت اختلال در نظام یا حفظ نظام و جواز اطلاع رسانی در همه احوال. بر این اساس می‌توان مدعی شد که از منظر دین اسلام، حقوق خبرنگاران، آزادی اطلاع رسانی می‌باشد نه به دلیل اینکه خود انسان‌اند و حق دانستن دارند، بلکه بالاتر اینکه ایشان رسالت آگاهی‌بخشی به انسانها را

نیز بر عهده دارد و این رسالت بر اساس سیره شارع و متشرعه امری نیکو به شمار می‌آید.

عقل نیز بر ضرورت آزادی خبرنگار در بیان اطلاعات تأکید دارد چه آنکه به حکم عقل از جمله مسائل ضروری برای نیل بشر به دانش و تکامل علم و اطلاعات است و از جمله لوازم آن آزادی در این امر می‌باشد به دیگر سخن از مقدمات عقلی این مسأله به حساب می‌آید که به حکم عقل تبعیت از آن واجب می‌باشد و در واقع دیگر ادله عقلی که در تضاعیف گفتار خود بیان داشتیم ارشاد به این حکم کلی عقل می‌باشد.



کتابنامه

قرآن کریم.

ابن ادریس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن حبان، محمد بن حبان، (۱۴۱۴ق)، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، بیروت: مؤسسه الرساله.

ابن حزم، علی بن احمد، (۱۳۵۲ق)، المحلی بالآثار، قاهره: مکتبه دارالتراث.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارصاد.

احسائی، ابن ابی جمهور، (۱۴۰۵ق)، عوالی اللثالی العزیزه، قم: دار سید الشهدا للنشر.

امامی، حسن، (بی تا)، حقوق مدنی، تهران: ابوریحان.

پویا، علیرضا، (۱۳۸۴)، خبر و خبررسانی در قرآن کریم، تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.

حراغلی، محمد بن حسن، (۱۴۰۲ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل البيت.

حمیری، محمد بن جعفر، (۴۱۳ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت.

سجستانی، ابوداود سلیمان ابن اشعث، (۴۰۲ق)، سنن ابی داود، بیروت: المکتبه العصریه.

شوکانی، محمد بن علی، (۴۱۳ق)، نیل الاوطار، مصر: دارالحديث.

شهید اول، محمد بن مکی عاملی، (۴۱۰ق)، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی

صفدری، محمد، (۱۳۷۲)، حقوق بین الملل عمومی، تهران: گنج دانش.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه.

همو، (۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی.

علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، قم: آل البيت.

فیض الاسلام، علی نقی، (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: نشر فقیه.

محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

محقق کرکی، علی بن حسین، (۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: آل البيت.

۲۸ دوفصلنامه علمی - تخصصی پژوهشنامه فقهی، سال سوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، پیاپی ۶

معتد نژاد، کاظم؛ منصفی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، روزنامه نگاری با فصلی جدید در بازنگری روزنامه نگاری معاصر، تهران: نشر سپهر.
نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

